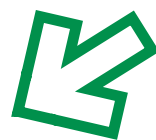




گفت‌و‌گو با مرتضی شکوهی، معاون مدیر کل آموزش دبستانی وزارت آموزش و پرورش

برای انتخاب کتاب‌های مناسب، آگاهی معلم، خانواده و دانش‌آموزان را افزایش دهیم



محمد دشتی

اشاره

آیین‌نامه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) در هشتصد و بیست و هشتمین جلسه «شورای عالی آموزش و پرورش» در تاریخ ۲ شهریور ۱۳۸۹ به تصویب رسید و پس از تأیید رئیس‌جمهور (رئیس شورای عالی آموزش و پرورش)، در تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ توسط وزیر آموزش و پرورش برای اجرا به «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» ابلاغ شد. در ماده ۷ این ابلاغیه آمده است: «مشارکت و همکاری معاونت‌ها، سازمان‌های وابسته به آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی کشور در اجرای این مصوبه الزامی است.»

تربیتی (مواد و رسانه) قرار دادید، ضمن معرفی خودتان نگاه و نظر خودتان را در مورد این طرح برایمان بگویید.

□ بحث سامان‌دهی مواد و منابع آموزشی موضوعی چندوجهی است. اگر ما بتوانیم با مشارکت و هم‌فکری راه‌حل‌های مناسبی را برگزینیم، خواهیم توانست کمک کنیم که موضوع منابع آموزشی و کمک آموزشی از آنچه که هست بسامان‌تر شود. این موضوع قطعاً در توفیق بیشتر آموزش و پرورش در دستیابی به هدف‌های ارزشمند آن تأثیرگذار خواهد بود.

■ شما در حوزه آموزش ابتدایی چه تمهیداتی برای اجرایی شدن طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی اندیشیده‌اید؟ □ در ارتباط با حوزه دبستانی، همان‌گونه که اشاره کردید، با ابلاغ سیاست‌های کلی تحول در نظام آموزش و پرورش که از

■ جناب آقای شکوهی، ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار همکاران خود در دبیرخانه طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و

جانب مقام معظم رهبری اعلام شد و همین‌طور ابلاغ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی، به‌طور طبیعی سیاست‌های دوره ابتدایی هم دستخوش تغییرات و تحولاتی شد. گرچه ما از گذشته هم همواره در دوره ابتدایی، به دنبال اجرای فعالیت‌هایی بودیم که بتواند مدرسان و یاری‌رسان به اجرای دقیق برنامه درسی باشد.

مهم‌ترین مأموریت و وظیفه‌ای که ما اکنون در حوزه آموزش دبستانی برای خودمان قائل هستیم، اجرای دقیق و مطلوب برنامه درسی این دوره تحصیلی است. در واقع شأنی که برای خودمان قائل هستیم این است که به‌خوبی اهداف آموزشی و پرورشی دوره ابتدایی را که مصوب شورای عالی وزارت آموزش و پرورش است، درک کنیم و برنامه‌هایی را که مراجع مسئول تدوین می‌کنند، به نحو شایسته‌ای اجرا کنیم.

■ **نظران در خصوص تقسیم وظایفی که در وزارت آموزش و پرورش در حوزه‌های گوناگون وجود دارد، چیست؟ تا چه حد خودتان را مقید به همکاری و هماهنگی با دیگر بخش‌ها و از جمله سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی می‌دانید؟**

□ ما اعتقاد راسخ داریم، نمی‌توانیم بدون ارتباط با سازمانی مانند سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی که متولی برنامه درسی در وزارت آموزش و پرورش است، برای خودمان برنامه‌ریزی و اقدام کنیم. یعنی در ساختار تشکیلاتی آموزش و پرورش، بنابر تقسیم وظایفی که صورت گرفته است، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وظایف و مأموریت‌های خاص خود را دارد که محتوا و برنامه مناسب را برای تحقق اهداف برنامه درسی در بعد دانش، نگرش و مهارت و در عناصر پنج‌گانه و عرصه‌های چهارگانه فراهم می‌آورد.

یعنی ما مسئول برنامه‌ریزی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی هستیم. قصد داریم کمک کنیم برنامه درسی در کلاس و مدرسه با قدرت و قوت اجرا شود تا محتوا، ظرفیت، توانمندی‌ها و شایستگی‌های موردنظر نظام آموزش و پرورش به‌جبهه منتقل شود. اگر دانش‌آموزان از آن ویژگی‌ها برخوردار شوند ما می‌توانیم مدعی شویم که اهداف برنامه درسی و اهداف نظام آموزش و پرورش محقق شده‌اند.

■ **چه نگاه و نظری در خصوص ضرورت و میزان نیاز معلمان، خانواده‌ها و دانش‌آموزان به استفاده از منابع آموزشی فراتر از کتاب درسی دارید؟**

□ یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ما منابعی است که معلمان، دانش‌آموزان و اولیای محترم از آن‌ها استفاده می‌کنند. واقعاً باید از

«دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» که سال‌هاست به سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی می‌پردازد، تشکر کنیم. تشکیل شورای سامان‌دهی مواد و منابع آموزشی هم که اخیراً صورت گرفته و چیزی فراتر از کتاب‌های درسی و در واقع تمامی منابع آموزشی این حوزه را مورد توجه قرار داده، امر مبارکی است که کمک خواهد کرد در این خصوص اقدامات مفیدتر و مؤثرتری صورت گیرد. توسعه فعالیت‌های آموزش و پرورش در این زمینه که همکاری همه بخش‌ها را در این وزارتخانه طلب می‌کند، کلید و رمز موفقیت چنین کار مهمی است. به نظرم شما با تشخیص درست و هوشمندی و با برنامه‌ریزی صحیح سراغ دیگر همکاران خود از جمله همکاران معاونت آموزش ابتدایی را گرفته‌اید.

■ **آیا با اجرایی شدن طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی طی چند سال گذشته و اقداماتی مانند انتشار کتاب‌نامه رشد و تغییر محسوس و مؤثری در این زمینه مشاهده می‌شود؟**

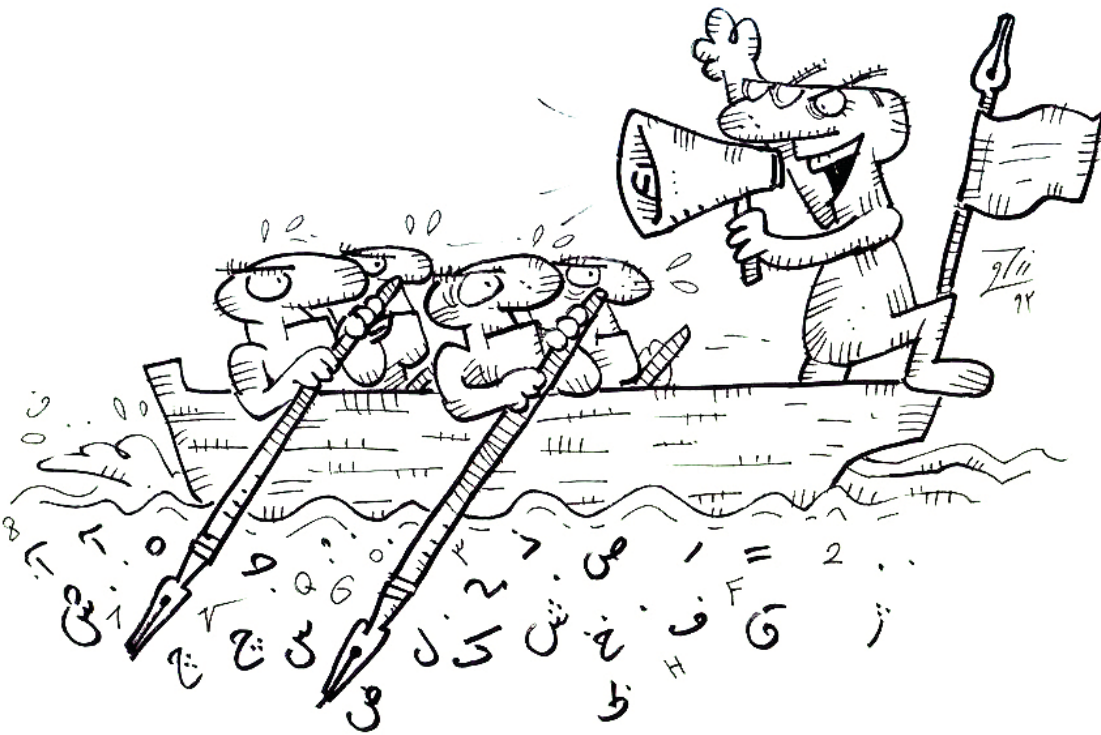
□ بله، همین‌گونه است. از زمانی که این طرح اجرا شده، تلاش‌های ارزشمندی در این زمینه انجام گرفته است و ما مشاهده کرده‌ایم که در عرصه عمل، افرادی که بدون توجه به اهداف و برنامه‌های آموزش و پرورش و نظام حاکمیتی تعلیم و تربیت اقداماتی را انجام می‌دادند، به خود آمده‌اند و سعی می‌کنند با این طرح همراه شوند.

به‌نظر می‌رسد انتشار کتاب‌نامه‌های رشد نیز راهکار ارزشمندی بوده که باعث شده است، از یک طرف ظرفیت‌های خوبی که در حوزه‌های مختلف در تولید منابع آموزشی و کمک‌آموزشی وجود دارند شکوفا و آثار و تولیدات مناسب به مخاطبان معرفی شوند. از سوی دیگر منبع خوبی تولید و در اختیار ما گذاشته شده است که ما هم می‌توانیم آن را به کارشناسان و مدیران خود معرفی کنیم و از آنان بخواهیم با استفاده از منابع معرفی شده، به نیازهای کمک آموزشی معلمان، دانش‌آموزان و حتی والدین پاسخ دهند. البته ما هیچ‌گاه به خودمان اجازه نداده‌ایم که منبع و یا منابعی را بدون اینکه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مناسب تشخیص داده باشد، رأساً معرفی کنیم.

■ **نقش متقابل آموزش و پرورش و تولیدکنندگان منابع آموزشی در بخش خصوصی چیست؟**

□ نقش تعاملی و دوسویه است. ما باید کمک کنیم که تولیدکنندگان منابع آموزشی معیارها، ملاک‌ها، شاخص‌ها و ویژگی‌های آن دسته از منابع آموزشی را که نظام آموزش و پرورش

ما اعتقاد راسخ داریم، نمی‌توانیم بدون ارتباط با سازمانی مانند سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی که متولی برنامه درسی در وزارت آموزش و پرورش است، برای خودمان برنامه‌ریزی و اقدام کنیم



اثر بخش، ظرفیت‌های پیرامونی را به خدمت بگیرد.

■ در صورت عدم حضور آموزش و پرورش و یا کم‌رنگ‌شدن نقش آن برای حضور در این حوزه، چه اتفاقی خواهد افتاد؟
 □ نظام آموزشی به جای اینکه عرصه را خالی کند، باید ابتکار عمل را در دست گیرد و اجازه ندهد کسانی که تنها به دنبال منافع تجاری و سود خود هستند، در این عرصه جولان دهند. ابتکار عمل مورد انتظار هم این است که آموزش و پرورش بتواند از ظرفیت‌های قانونی که وجود دارد و با ابلاغ تشکیل شورای سیاست‌گذاری تهیه و تولید مواد و منابع آموزشی و تربیتی رسمیت بیشتری پیدا کرده است، به‌درستی استفاده کند و با جلب مشارکت و همراهی تولیدکنندگان این بخش، سکان هدایت و مدیریت این حوزه را به دست بگیرد.

بر آن‌ها صحنه می‌گذارد، خوب بشناسند و اساساً فارغ از اینکه ما بخواهیم و یا نخواهیم، در آن مسیر حرکت کنند.

به اعتقاد من، با توجه به مأموریتی حاکمیتی که در نظام آموزش و پرورش وجود دارد و همچنین مأموریتی که برای تحت پوشش قرار دادن دانش‌آموزان در سنین ۵ تا ۱۸ سال دارد، مسئولیت مدیریت آموزش در هر جای این کشور برعهده آموزش و پرورش رسمی است. بنابراین هر حوزه‌ای که تصمیم به فعالیت آموزشی دارد، باید خودش را در قلمرو آموزش و پرورش احساس کند و بداند که لازم است، ملاک‌ها، شاخص‌ها و معیارهای آموزش و پرورش را مورد عنایت و توجه قرار دهد. از سوی دیگر، آموزش و پرورش باید آن‌قدر نگاه عمیق، وسیع و گسترده‌ای به این حوزه داشته باشد که با تدوین استانداردها، شاخص‌ها و معیارهای منعطف، کارآمد و

البته این کار باید در سه بخش مدیریت، تولید و توزیع مواد و منابع آموزشی و تربیتی صورت گیرد و این چرخه به صورت کامل از لحظه تدوین دستورالعمل‌های مربوطه تا توزیع اثر و رساندن آن به دست مخاطب، دنبال و نهایی شود تا هم سیاست‌گذار و هم سرمایه‌گذار هر دو به اهداف و منافع مادی و معنوی خود برسند. به نظر من به هر میزان که آموزش و پرورش بتواند در این زمینه تمام قد و بدون نگاه حذفی و با نگاه نظارتی و حمایتی وارد شود، موفقیتش بیشتر تضمین خواهد شد و خواهد توانست با جلب مشارکت دیگر فعالان در این حوزه، جلوی تولید و توزیع آثار کم استفاده و گاه مضر را بگیرد.

■ خب! راه چاره چیست؟

□ تنها راهی که باقی می‌ماند، اعلام سیاست‌ها و برنامه‌ها، نظارت و مصونیت بخشی به مخاطبان است. این مصونیت باید در معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها به وجود بیاید و آنان را قادر سازد که با تشخیص درست، تنها آثار مناسب و مفید را انتخاب کنند و از انتخاب و خرید آثار غیراستاندارد و غیرعلمی خودداری کنند. اگر ما موفق شویم چنین شرایطی را حاکم کنیم، شما مطمئن باشید که بازار تولید و فروش آثار نازل و یا حل‌المسائل‌ها و کتاب‌هایی که تنها به قصد سودجویی و پول درآوردن منتشر می‌شوند، متوقف خواهد شد.

■ آیا جهت‌گیری‌های ما در وزارت آموزش و پرورش و حتی آموزش عالی بر این حوزه تأثیر دارد؟

□ حتماً تأثیر دارد! مجموعه تصمیمات و سیاست‌های اتخاذ شده در این حوزه در رفتار مصرف‌کننده و عرضه‌کننده منابع آموزشی تأثیرگذار است. فراموش نکنیم عاملی که در این میان خیلی نقش بازی می‌کند، نوع جهت‌گیری کسانی که در آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند. تا زمانی که جهت‌گیری‌های ما در مسیر یادگیری، آموختن و عمق بخشیدن به یادگیری و انعکاس آن در رفتار فرد در زندگی نباشد، و یا ارزشیابی ما به دنبال سنجش تغییرات رفتاری نباشد و به دنبال سنجش و ارزشیابی دانستی‌ها، معلومات، آگاهی‌های سطحی و شبه‌معلومات باشیم، خانواده‌ها، معلمان و دانش‌آموزان هم به دنبال همان منابعی می‌روند که ما آن‌ها را مفید نمی‌دانیم و متأسفانه بازار را در دست دارند.

اگر می‌خواهیم شرایط تغییر کند و به سمت وضعیت مطلوب حرکت کنیم، باید در نظام آموزشی یادگیری یک ارزش باشد. عمق یادگیری و یادگیری‌هایی ارزشمند باشند که به تغییر رفتار فرد می‌انجامند. در دوره ابتدایی ما حقیقتاً با این تفکر حرکت می‌کنیم که برنامه درسی ما غنی است و اگر خلأهایی هم دارد، این خلأ باید به کمک معلم تکمیل و با همراهی اولیا با مدرسه برطرف شوند.

■ چه عملی باید در دوره ابتدایی صورت گیرد تا دانش‌آموز

در آینده بتواند منابع مناسب آموزشی را بشناسد و از انتخاب منابع آسیب‌زا خودداری کند؟

□ در دوره ابتدایی ما باید عشق به یادگیری را آموزش بدهیم و آن را در وجود کودکان نهادینه کنیم. باور ما این است که دانش‌آموز باید در دوره ابتدایی مهارت‌های اساسی یادگیری را به دست آورد. ما در این دوره خیلی نگران آموختن دانش نیستیم، گرچه این موضوع در جای خودش اهمیت دارد. اما علاقه به دانش‌آموزی و یادگیری علم و دانش برای ما اهمیت بیشتری دارد؛ عشق به مدرسه، تحصیل، کتاب، مطالعه و ایجاد انگیزه مطالعه در دانش‌آموز. ما معتقدیم که مطالعه و علاقه به خواندن باید به عنوان یک مهارت، باور و فرهنگ از همین دوره اولیه و ابتدایی در کودکان ما نهادینه شود و شکل بگیرد. اگر قصد داریم که مطالعه نزد دانش‌آموز به علاقه و مهارت تبدیل شود، باید از همان ابتدا معلم کودکان را با منابع آموزشی مناسب، مفید، متنوع و مؤثر آشنا کند.

معنی این حرف آن است که فقط آموختن مطالب کتاب درسی برای دانش‌آموزان کافی نیست. ما در حقیقت محتوای کتاب درسی را منبع و مرجعی برای دانش‌آموز می‌دانیم که باید عشق و علاقه به یادگیری را در او ایجاد

و شعله‌ور کند. با استناد به آنچه که در کتاب درسی او آمده است، احساس نیاز کند و به مطالعه دیگر منابع علاقه‌مند شود و آن منابع را هم مطالعه کند.

اصلاً کتاب درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که خودش بگوید من تنها یک آغازم و برای همه نیازهای تو کافی نیستم. یعنی نیاز به مطالعه بیشتر را به دانش‌آموز یادآوری شود و به او تأکید کند، برای اینکه مرا بهتر بفهمی و درک کنی، باید به مطالعه دیگر منابع و متون بپردازی. این معناست که دانش‌آموز ما را محقق، جست‌وجوگر و علاقه‌مند به مطالعه بار می‌آورد. چنین دانش‌آموزی هرگز از مطالعه و کتاب جدا نمی‌شود و به عنوان یک نیاز ضروری در دنیای کنونی همواره به دنبال یادگیری و آموختن خواهد بود. شکی نیست که در چنین وضعیتی کتاب درسی اصلاً کافی و وافی به مقصود نخواهد بود.

اینجاست که نقش آموزش و پرورش ممتاز می‌شود. اینکه تا چه حد می‌تواند معلمان خود و حتی خانواده‌ها را آگاه و توانمند سازد که کتاب‌های مناسب را بشناسند و به درستی به دانش‌آموز و فرزند خود معرفی کنند.

■ تا چه حد به نقش و جایگاه بخش خصوصی در تهیه و

اگر می‌خواهیم از منابع آموزشی در جای خود و به طور مؤثر استفاده شود، باید آگاهی سه عنصر معلم، خانواده و دانش‌آموز را افزایش دهیم. این سه عنصر هر کدام در نقش و جایگاه خود باید این توانایی و آگاهی را داشته باشند و بتوانند تشخیص دهند که چه متون و منابعی برایشان مفید و چه منابعی احیاناً برایشان مضر است

ارائه منابع آموزشی اعتقاد دارید؟ در چه صورتی حضور این بخش، برای دانش آموزان مفید خواهد بود؟

□ بخش خصوصی یک واقعیت کتمان ناپذیر است و براساس

قوانین موضوعه می‌تواند در حوزه نشر و انتشارات آموزشی هم فعالیت کند. کما اینکه الان هم این کار انجام می‌شود. اینکه بخش خصوصی فعال در تولید منابع مکتوب، آموزشی و انتشاراتی به چه سمتی حرکت کند، امری است که به اراده و اشاره ما نیست. این بخش هم مانند هر بخش دیگری که به دنبال تأمین هزینه و سود خود است، برنامه‌های تشکیلاتی و سازمانی خاص خودش را دارد و براساس آن فعالیت و تولید می‌کند.

حالا با چنین فرضی هنر ما این است که بتوانیم از آن به‌عنوان یک ظرفیت مؤثر استفاده کنیم و در یک تعامل سازنده، آن را به خدمت اهداف سازمانی خود که در نهایت مابینتی با اهداف آن بخش هم نخواهد داشت، نائل شویم. ما باید با ارائه استانداردها، شاخص‌ها و انتظارات خود، به بخش خصوصی سمت و جهت بدهیم و با نظارت و حمایت از تولیدات این بخش، اهداف اساسی خود را که منبعث از برنامه‌های اساسی آموزش و پرورش است، محقق کنیم.

افرادی که در بخش خصوصی فعالیت می‌کنند، در عین حال که به دنبال انتفاع خود هستند، اهداف متفاوتی دارند. برخی از این دوستان مایل‌اند که در تهیه منابع آموزشی مورد نیاز دانش آموزان به‌طور خاص در یک رشته یا دوره تحصیلی فعالیت کنند. برخی نیز حوزه‌های دیگری مانند حوزه‌های عمومی دانش را در نظر دارند. این تفاوت‌ها بازار نشر را شکل می‌دهند. ما باید بتوانیم با معرفی استانداردها، شاخص‌ها و ویژگی‌های علمی و حرفه‌ای هر بخش، انتظارات خودمان را به‌صورت شفاف و روشن اعلام کنیم. در ضمن از تولید چنین آثاری حمایت کنیم و با معرفی و یا خرید آن‌ها، فضایی را به‌وجود بیاوریم که ناشران عملاً بتوانند به این بازار بزرگ دسترسی پیدا کنند. به علاوه، کسانی پیدا نشوند که با استفاده از خلأهای موجود و رفتن راه‌های میانبر و کسب درآمدهای آن چنانی، انگیزه و اشتیاق ناشران را برای همراهی با

آموزش و پرورش از بین ببرند.

■ وظیفه ما چیست؟ آیا سیاست‌گذاری‌ها و جهت‌گیری‌های

ما هم در به‌وجود آمدن این بازار مؤثر است؟

□ ما باید با اصلاح سیاست‌ها و تعیین جهت‌گیری‌های مناسب در سیاست‌ها و برخورد فعال با حوزه خصوصی، ابتکار عمل را تا حدود زیادی به‌دست بگیریم. در واقع ما با هدف‌گذاری‌های احیاناً غلط، برای کسانی که به دنبال انتفاع اقتصادی هستند، بازار ایجاد می‌کنیم. ما اگر در سنجش‌ها، ارزیابی‌ها و امتحانات خود به سراغ حافظه‌گرایی، دانش‌اندوزی و گرایش به تست و تست‌زنی می‌رویم، چگونه انتظار داریم که کسانی هم پیدا نشوند که به تدوین و توزیع کتاب‌های حل‌المسائل و تست محور بپردازند؟

اما اگر آموزش و پرورش و حتی آموزش عالی که دنباله آموزش رسمی است، به دنبال افزایش درک، فهم و مهارت‌های دانش آموزان و اندازه‌گیری آن باشد، دیگر بازار کتاب‌های تست و پاسخ‌محور از میان خواهد رفت. دیگر این حوزه مشتری نخواهد داشت که عده‌ای هم بخواهند با تولید این کتاب‌ها به نان و نوایی برسند. پس یقین داشته باشیم که اگر ما اصولی و برنامه‌ریزی شده عمل کنیم، بازار و بخش خصوصی هم با ما همراه خواهد شد. ولی اگر خود ما به این اصول و مبانی توجه نداشته باشیم و تقاضا برای چنین کتاب‌هایی وجود داشته باشد، عرضه آن هم ادامه خواهد داشت.

■ و سخنی از نوع سخنان آخر!

□ سخن آخر من می‌تواند این باشد که ما در آموزش و پرورش با این باور که بخش خصوصی می‌تواند به ما کمک کند و می‌تواند بخشی از نیاز ما را که درون آموزش و پرورش محقق نمی‌شود، برآورده کند، باید به سوی این بخش دست کمک دراز کنیم. راهش هم این است که وقتی سیاست‌گذاری می‌کنیم و خط‌مشی خود را تعیین می‌کنیم، به نقش و جایگاه بخش خصوصی هم در این فرایند توجه کنیم و سهم، بخش و میزان مشارکت آن بخش را هم در این برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها معین کنیم.

و نکته مهم و پایانی صحبت من این است که اگر می‌خواهیم از منابع آموزشی در جای خود و به‌طور مؤثر استفاده شود، باید آگاهی سه عنصر معلم، خانواده و دانش‌آموز را افزایش دهیم. این سه عنصر هر کدام در نقش و جایگاه خود باید این توانایی و آگاهی را داشته باشند و بتوانند تشخیص دهند که چه متون و منابعی برایشان مفید و چه منابعی احیاناً برایشان مضر است. اگر این آگاهی و شناخت به‌وجود بیاید، موضوع به‌طور اساسی حل خواهد شد. شما مطمئن باشید که اگر خریداری در این بازار آشفته وجود نداشته باشد، تولیدکننده هم از انتشار چنین آثاری منتفع نخواهد شد و خودبه‌خود باب این آثار بسته خواهد شد.



انتشار کتاب‌نامه‌های رشد نیز راهکار ارزشمندی بوده که باعث شده است، ظرفیت‌های خوبی که در حوزه‌های مختلف در تولید منابع آموزشی و کمک‌آموزشی وجود دارند شکوفا و آثار و تولیدات مناسب به مخاطبان معرفی شوند